



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: 14 دی 1390

مصادف با: 10 صفر 1433

جلسه: 51

موضوع کلی: گستردگی قلمرو احکام شرعی

موضوع جزئی: قول سوم (عدم عمومیت احکام شرعی - آیات)

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

در مورد استدلال به ادله‌ای که قول سوم به آن‌ها استناد کرده دلیل عقلی را مورد رسیدگی قرار دادیم.

دلیل دوم: آیات

آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُكُمْ وَ إِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنزَلُ الْقُرْآنُ تَبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَ اللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار شود موجب آزرده‌گی شما شده و شما را به زحمت می‌اندازد و اگر در هنگام نزول قرآن از آن‌ها سؤال کنید برای شما آشکار خواهد شد، خداوند متعال از آن‌ها عفو کرده و او آمرزنده و بردبار است.

این آیه دلالت می‌کند بر اینکه نباید از اموری که آشکار شدن آن‌ها موجب زحمت و تکلف برای شما می‌شود سؤال کنید؛ یعنی آنچه که لازم بوده گفته شود نازل شده و در موقع نزول قرآن آنچه که لازم بوده برای شما بیان شده پس از چیزهایی که آشکار شدن آن‌ها موجب زحمت و مشقت شما خواهد شد سؤال نکنید؛ به عبارت دیگر در مواردی که خداوند متعال گذشت کرده و تکلیفی در مورد آن‌ها جعل نکرده خودتان را به زحمت نیندازید، مستدل می‌گوید مجموع این آیه بر مدعای ما دلالت می‌کند و معلوم می‌شود چیزهایی را خداوند متعال بیان کرده و تکالیف و احکامی را مقرر کرده ولی در بعضی از موارد گذشت کرده و معنای عفو و گذشت این است که خداوند تبارک و تعالی نسبت به آن موارد تکلیفی جعل نکرده است، پس اگر خداوند متعال نسبت به بعضی از امور حکمی جعل نکرده؛ معنایش این است که به مردم واگذار کرده است، پس با توجه به این آیه شریفه معلوم می‌شود دامنه احکام و قوانین شریعت، وسیع نیست بلکه بخش‌های زیادی وجود دارد که به عهده خود مردم گذاشته شده است. روایاتی هم در ذیل این آیه شریفه در تفاسیر روایی مثل تفسیر نور الثقلین و در المنتور وارد شده که در بخش روایات (دلیل سوم) به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

بررسی دلیل دوم:

به نظر ما استدلال به این آیه شریفه تمام نیست، آنچه از این آیه استفاده می‌شود این است که خداوند متعال بعضی از احکام و تکالیف را آشکار نکرده است و عدم بیان یا عدم اظهار تکلیف غیر از عدم جعل تکلیف است، اگر تکلیفی بیان نشده لزوماً به این

معنی نیست که جعل نشده، نهایت چیزی که از این آیه استفاده می‌شود عدم بیان و عدم اظهار تکلیف است، قرائنی هم از خود آیه بر این مطلب دلالت دارد که عبارتند از:

۱) «لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ»، می‌فرماید سؤال نکنید از چیزهایی که اگر برای شما آشکار شود موجب آزرده‌گی شما شود، معمولاً آشکار شدن وقتی است که چیزی وجود دارد لکن مخفی است و اگر چیزی نباشد گفته نمی‌شود آشکار شد، ظهور این عبارت در این است که چیزهایی وجود دارد که اگر آشکار شود شما به زحمت خواهید افتاد، پس عدم اظهار بعضی از موارد توسط شارع به معنای عدم وجود و عدم جعل حکم نیست بلکه از عبارت «إِنْ تُبْدَ لَكُمْ» استفاده می‌شود که چیزی وجود دارد لکن آشکار نشده است.

۲) قرینه دوم این است که خداوند متعال می‌فرماید: «إِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ»؛ اگر در زمان نزول قرآن از آن امور سؤال کنید برای شما آشکار خواهد شد؛ این عبارت هم قرینه دیگری است بر اینکه حکم و قانون وجود داشته ولی توسط شارع اظهار نشده است.

حال اینکه اگر حکم و قانونی بوده چرا آشکار نشده است شاید بخاطر مصالحی بوده که اقتضاء کرده بعضی از امور مخفی بماند و در زمان ظهور حضرت ولی عصر(عج) آشکار شود، بهر حال اگر قرار باشد دلالت آیه فوق بر مدعا تمام شود باید ملازمه عدم اظهار حکم و تکلیف با عدم تشریح و جعل آن، اثبات گردد و این ملازمه قابل اثبات نیست.

دلیل سوم: روایات

روایاتی وجود دارد که بر این مدعا دلالت می‌کند، این روایات چند طائفه هستند. حداقل چهار طائفه از روایات مورد استناد قرار گرفته است. اگر این روایات پذیرفته شود؛ معنایش این است که این روایات معارض روایاتی هستند که برای اثبات قول اول(عمومیت و گستردگی احکام شرعی) به آن‌ها استناد شد که در این صورت باید برای حل تعارض بین این روایات به دنبال راه چاره باشیم، اما اگر این روایات را نپذیرفتیم و آن‌ها را پاسخ دادیم تعارضی وجود نخواهد داشت و روایات دال بر قول اول بدون معارض باقی خواهند ماند.

طائفه اول: اخبار سکوت

روایت اول:

روایتی است از رسول اکرم(ص) که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَدَّ لَكُمْ حَدُودًا فَلَا تَتَعَدُّوْهَا وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا وَ سَنَّ لَكُمْ سُنَنًا فَاتَّبِعُوهَا وَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ حُرْمَاتٍ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا وَ عَفَا لَكُمْ عَنْ أَشْيَاءٍ رَحْمَةً مِنْهُ مِنْ غَيْرِ نَسِيَانٍ فَلَا تَتَكَلَّفُوهَا»؛ رسول گرامی اسلام می‌فرماید: خداوند متعال برای شما حدودی را معین کرده، از این حدود تجاوز نکنید - چه بسا اشاره به احکام وضعی داشته باشد-، واجباتی را برای شما معین کرده، آن‌ها را ضایع نکنید، سُننی را برای شما معین کرده، از آن‌ها تبعیت کنید، چیزهایی را حرام کرده، آن‌ها را هتک نکنید و به واسطه رحمتش بر بندگان از مواردی گذشت کرده و آن‌ها را به خود شما واگذار

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ابواب مقدمات حدود، باب ۳، ص ۱۲، ح ۹. امالی شیخ طوسی، ص ۵۱۱، ۱۱۱۶.

کرده بدون اینکه فراموش کرده باشد، پس خودتان را در آن موارد به زحمت نیندازید؛ یعنی دنبال این نباشید که کشف خداوند در مورد این موارد چه می‌گوید. اینکه خداوند متعال نسبت به بعضی موارد چیزی فرموده از باب فراموشی نسبت به آن موارد نبوده بلکه از باب عفو از آن‌ها چشم پوشی کرده و آن موارد را به خود مردم واگذار کرده است.

این روایت می‌گوید واجبات و مستحبات و محرمات معلوم است و غیر این موارد را هم خداوند متعال به خود مردم واگذار کرده است، پس این روایت به وضوح دلالت می‌کند بر اینکه خداوند تبارک و تعالی در بعضی موارد حکمی ندارد و حتی شخص یا اشخاصی را هم معین نکرده که در این موارد جعل حکم کنند بلکه این موارد را به خود مردم واگذار کرده است؛ یعنی حتی جعل با واسطه هم استفاده نمی‌شود.

روایت دوم:

روایتی است از امیرالمؤمنین علی (ع) که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ إِفْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تَضِيعُوهَا وَ حَدًّا لَكُمْ حَدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ نَهَاكُم عَنْ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا وَ سَكَتَ لَكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ وَ لَمْ يَدْعُهَا نَسِيَانًا فَلَا تَتَكَلَّفُوهَا»؛ حضرت می‌فرماید: خداوند تبارک و تعالی فرائضی را بر شما واجب کرده، آن‌ها را ضایع نکنید، حدودی را معین کرده، از آن حدود تجاوز نکنید، از چیزهایی نهی کرده و آن‌ها را حرام کرده، هتک حرمت نکنید، در مورد بعضی چیزها هم خداوند متعال سکوت کرده و اینکه در مورد آن‌ها ساکت مانده از روی فراموشی و نسیان نبوده است، در این موارد هم شما خودتان را به زحمت نیندازید، البته در بعضی نسخه‌ها آمده است که: «فَلَا تَتَكَلَّمُوهَا»؛ یعنی اصلاً درباره مواردی که خداوند تبارک و تعالی سکوت کرده صحبت نکنید؛ یعنی سؤال نکنید. تقریب استدلال به این روایت هم کاملاً روشن است؛ چون طبق این روایت هم مثل روایت قبلی محرمات و واجبات مشخص شده ولی در مواردی که شارع سکوت کرده می‌گوید خود را به زحمت نیندازید؛ چون از روی فراموشی نبوده بلکه اساساً تکلیفی جعل نشده است.

روایت سوم:

روایتی است که در جوامع روایی اهل سنت ذکر شده است و آن این است که: «إِنَّهُ سُئِلَ عَنْ لَحْمِ الْغُرَابِ وَالْهَدْيَا فَقَالَ: أَحَلَّ اللَّهُ حَلَالًا وَ حَرَّمَ حَرَامًا وَ سَكَتَ عَنْ أَشْيَاءَ فَمَا سَكَتَ عَنْهُ فَهُوَ عَفْوٌ عَنْهُ»؛^۱ از ابن عباس در مورد گوشت کلاغ سؤال شد و او گفت: خداوند چیزهایی را حلال کرده و چیزهایی را حرام کرده و در مورد بعضی از چیزها هم سکوت کرده، آن چیزهایی که خداوند در مورد آن‌ها سکوت کرده از ناحیه خداوند متعال بخشیده شده است. تقریب استدلال به این روایت واضح است و نیاز به توضیح ندارد؛ یعنی خداوند در مورد چیزهایی که سکوت کرده در واقع به جهت عفو و گذشت او از جعل تکلیف است و خواسته آن را به مردم واگذار کند.

۱. نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۸۲.

۲. المصنف، ج ۴، ص ۶۳۵.

تذکر اخلاقی: معنای وسیع عبادت

رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «النَّظَرُ إِلَى عَالَمٍ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى إِمَامٍ الْمُقْسَطِ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى وَالِدَيْنِ بِرَأْفَةٍ وَرَحْمَةٍ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى أَخٍ تَوَدَّهُ فِي اللَّهِ عِبَادَةٌ»؛ رسول اکرم (ص) می‌فرماید: نظر و نگاه کردن به عالم عبادت است، نگاه کردن به امام عادل عبادت است، نگاه کردن به پدر و مادر از روی رأفت و رحمت عبادت است و همچنین نگاه کردن به برادر دینی که به او مودت و محبت در راه خدا داری عبادت است.

روایات دیگری هم از معصومین (ع) وارد شده که اموری را به عنوان عبادت نام برده‌اند؛ مثلاً امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: «التفکر فی ملکوت السموات و الأرض عِبَادَةُ الْمُخْلِصِينَ»؛ تفکر در آسمان و زمین عبادت مخلصین است همچنین از ایشان روایت داریم که می‌فرماید: «إِنَّ مِنَ الْعِبَادَةِ لَيْنَ الْكَلَامِ وَ إِفْشَاءِ السَّلَامِ»؛ با نرمی سخن گفتن و همچنین سلام کردن به برادر دینی عبادت است یا مثلاً امام صادق (ع) می‌فرماید: «حَبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عِبَادَةٌ» حضرت می‌فرماید: دوستی ما اهل بیت (ع) عبادت است.

اگر ما این روایات را کنار هم بگذاریم نتیجه گرفته می‌شود که عبادت در تعالیم اهل بیت (ع) منحصر به اعمال و اوقات خاصی نیست، درست است که برجسته‌ترین تجلی عبودیت نماز است و همچنین روزه و حج از جلوه‌های زیبای عبادت هستند اما عبادت منحصر در این امور نیست، عبادت خداوند فقط به این نیست که انسان خودش یک رابطه شخصی با خداوند تبارک و تعالی پیدا کند چرا که ارتباط شخصی با خداوند متعال قدر متیقن از عبادت است ولی بر طبق آنچه که ائمه معصومین (ع) گفته‌اند همه صحنه‌های زندگی انسان می‌تواند عبادت باشد البته به شرط اینکه با شرایط خاص خودش باشد؛ مثلاً اینکه گفته می‌شود نظر به عالم عبادت است منظور صرف نگاه کردن به تنهایی نیست بلکه مراد این است که با نگاه کردن به عالم دل‌ها متوجه عالم شود و از علم او بهره گرفته شود.

اینکه گفته می‌شود نظر به عالم و امام عادل و والدین از روی رحمت و رأفت و همچنین نظر به برادر دینی عبادت است یا در روایت آمده که با نرمی سخن گفتن و آشکارا سلام کردن و دوستی اهل بیت (ع) عبادت است، منظور از همه اینها این است که روح و نفس انسان باید در یک مسیری قرار گیرد که معرفت و محبت او نسبت به خداوند تبارک و تعالی و همچنین محبت او نسبت به هم نوعان خودش؛ یعنی سایر انسان‌ها روز به روز بیشتر شود؛ یعنی خودیت و بُت نفس باید شکسته شود و یاد بگیرد که به دیگران محبت کند و به دیگران علاقه پیدا کند، پس اگر امر دائر شود بین نماز مستحبی و یا رفع نیاز از یک نیازمند و کمک به حل مشکل برادر دینی همه بالاتفاق می‌گویند که رفع نیاز از برادر دینی مقدم بر نماز مستحبی است لذا ما می‌توانیم از صبح تا شب بدون اینکه در مسجد و محراب و حرم باشیم عبادت را صید کنیم و قرب خود را به خداوند تبارک و تعالی بیشتر کنیم؛ مثلاً شرکت در درس برای کسب علم و دانش و یا سلام کردن به دیگران عبادت است. عبادت منحصر در نماز خواندن و روزه گرفتن و غیره نیست، پس فرصت‌های زیادی برای قرب الهی در زندگی انسان وجود دارد و انسان عاقل این فرصت‌های پر سود که برای او ایجاد می‌شود و منحصر در نماز خواندن و روزه گرفتن نیست را از دست نمی‌دهد، انشاء الله که خداوند متعال توفیق انجام عبادت و عمل به فرامین خودش را به ما عنایت کند.

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»